

بررسی مفهوم انتظار و وظایف منتظران در شعر شاعران انقلاب اسلامی

شکوفه دارابی^۱
اعظم محمودی^۲
شهریار شادی گو^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۷

چکیده

باور به ظهور منجی موعود، یکی از کهن‌ترین اندیشه‌های بشر بوده که در ادبیات مجال بروز و ظهور یافته است و از آن‌جا که ادبیات سرچشمه و آبشخور بینش‌های دینی، عرفانی و فلسفی هر ملت است، از آن برای واکاوی مضامین فکری و باورهای یک قوم می‌توان بهره برد. شاعران انقلاب اسلامی نیز مقوله انتظار موعود را در کانون توجه خود قرار داده و ادبیات مهدویت در آثارشان نقشی به‌سزا دارد. هدف اصلی این پژوهش بررسی مضمون انتظار و وظایف منتظران در زمان غیبت، در اشعار شاعران انقلابی است. از این رو بینش و دیدگاه این شاعران متعهد درباره این مقوله تبیین گردید. نکته در خور توجه این است که این شاعران به اقتضای جهان بینی شیعی خود، با استفاده از خلاقیت‌های ادبی خویش، به دفاع از عقاید شیعه پرداخته‌اند و از افکار و آراء آنان، به عنوان نماینده مکتب موعودگرایانه، می‌توان برای واکاوی افکار یک ملت بهره برد. واژگان کلیدی: انتظار، موعود، وظایف منتظران، شاعران انقلاب اسلامی.

مقدمه

انتظار در لغت، به این معنای «چشم به راه بودن و چشم‌داشت» آمده است (معین، ۱۳۶۴):

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(darabi_sh@yahoo.com).

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران.

۳. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران.

(۳۶۴)، اما در اصطلاح، به معنای «چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای نصرت او در تشکیل حکومت عدل و قسط در عصر ظهور است» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۲۳۵).

در فرهنگ اسلامی، انتظار عبارتست از:

ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام و آغاز حکومت صالحان است (تونه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

مذهب انتظار، یک عامل فکری و روحی حرکت بخش، تعهدآور و مسئولیت‌ساز و بالاخره فلسفه اعتراض به وضع موجود و نفی ارزش‌ها و نظام‌های حاکم در طول قرن است (شریعتی، ۱۳۸۷: ۵۰).

«انتظار فرج در اسلام و به ویژه در مذهب تشیع، عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام، امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت خداوند، آرزوی رسیدن روزگار رهایی مستضعفان از چنگال مستکبران، تمام شدن دوران طاغوتیان و فتح و پیروزی نهایی مؤمنان و آغاز حکومت صالحان تا پایان جهان است» (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود و چون طبعاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است و مانند احجار به سمت پایین حرکت می‌کند، نمی‌تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط اخلاقی و معنوی خاتمه دهد. پس ناچار روزی شخصیتی معنوی بلندپایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم، نجات خواهد داد. در این مورد در تعالیم هر دینی به صورت رمز به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آئین‌های دیگر توافق و هماهنگی دارد (حکیمی، ۱۳۸۲: ۵۴).

براساس این آموزه‌ها، همه مردم جهان در انتظار این موعود هستند و هرکسی به نحوی ارادت خود را به ساحت مقدس آن پیشوای غایب نشان می‌دهد؛ یکی از این شیوه‌ها، شعر است. از آن جا که زبان و ادبیات فارسی بسیار تحت تأثیر تفکرات و باورهای مذهبی مربوط به دین اسلام و مذهب تشیع است، این عقیده موعودگرایی و به تبع آن، مسئله انتظار وارد ادبیات فارسی شده است؛ به طوری که می‌توان این نوع ادبی را یکی از انواع غالب شعر در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. برخی شعر انتظار یا شعر عدالت و یا شعر مهدوی را زیرمجموعه شعر پایداری دانسته‌اند (امینی پژوه، ۱۳۹۰: ۳۸).

ادبیات مهدویت نیز یکی از عرصه‌های ادبیات اسلامی است که جهان بینی‌ها و نگره‌های موعودگرایی و انتظار منجی را تبیین می‌نماید. «ادبیات مهدویت عبارت است از بیان تجربیات درونی شخصی، خیالی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی، رسانه‌ای، تاریخی، اقتصادی، سیاسی، افسانه‌ای و برخاسته از مفاهیم و اصول باور موقی مهدویت همچون: انتظار، زمینه‌سازی، برپایی دولت کریمه حق، جهانی شدن اسلام، توحید، ایمان، عدالت، یکتاپرستی، رواج رفاه همگانی و بیان ابعاد مختلف شخصیتی حضرت مهدی علیه السلام و دولت جهانی ایشان در قالبی الهام بخش» (عظیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

از آن جایی که مضامین انتظار و وظایف منتظران، ریشه در باورهای دینی شاعران شیعی داشته، لذا شعر شاعران انقلاب اسلامی، منبعی به سزا برای بررسی مضامین انتظار موعود است، به ویژه آن که بهترین نمونه‌های موعودگرایانه در اشعارشان بازتاب یافته است. این پژوهش بر انتظار موعود و وظایف منتظران در شعر معاصر فارسی تکیه دارد و با بررسی اشعاری که در حوزه انتظار موعود سروده شده، به تحلیل وظایف منتظران می‌پردازد تا با یاری این آثار، وجوه مشترک، تأثیرات و تأثرات آنها را واکاوی نماید. شاعرانی که شعرشان در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، به ترتیب الفبایی عبارتند از:

قیصر امین پور، عباس براتی پور، سیدحسن حسینی، طاهره صفارزاده، علیرضا قزوه، سپیده کاشانی، سهیل محمودی، نصرالله مردانی، علی موسوی گرمارودی، یوسفعلی میرشکاک و سلمان هراتی.

تلاش نگارندگان بر این است که اندیشه و خلاقیت هنری ایشان در واگویی بن‌مایه‌های انتظار و وظایف منتظران منجی بررسی گردد و به این سوال پاسخ داده شود که مهم‌ترین وظایف منتظران موعود چیست؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت مسئله انتظار، تاکنون آثار زیادی در ارتباط با این موضوع چاپ شده است، از جمله می‌توان کتاب‌های *سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی*، *تشیع و انتظار*، *شعر آئینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن* و... را نام برد. هم‌چنین در مورد مفهوم انتظار در اشعار شاعران مختلف، مقاله‌های متعددی نوشته است؛ از جمله:

سعیدی و شوهانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «انتظار موعود در شعر شاعران معاصر

انقلاب با تکیه بر اشعار سیدحسین حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی «درون مایه‌های شعر فارسی در خصوص مفهوم انتظار بررسی نموده‌اند.

خسروی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر فارسی و عربی (مطالعه موردپژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ حسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین‌پور، ۱۳۹۲) با استناد به شواهدی از اشعار این شاعران، به بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته‌اند.

صلاحی‌مقدم (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «نوآوری در شعر قیصر امین‌پور» به نموده‌های نوآورانه در شعر قیصر پرداخته است.

امیری خراسانی و صدقیان‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی» به بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی پرداخته و ماهیت پایداری و مسئله انتظار را در جریان شعری دفاع مقدس، با تکیه بر آثار دو شاعر معاصر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما از منظر شعر انتظار و وظایف منتظران، به نظر می‌رسد که فعالیت پژوهشی مستقلی روی نداده است.

بحث و بررسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاعران متعهد معاصر، در ژرفنای خلاقیت‌های ادبی خود، مباحث جدیدی مانند انتظار موعود را مطرح ساختند و مضامین موعودگرایی را در اشعارشان جلوه‌گر ساختند و در این عرصه، بر ادبیات فارسی تأثیر بسیار نهادند. آنان مضمون «انتظار» را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار دادند و به اقتضاء جهان بینی توحیدی و شیعی خود، دغدغه‌ها و احساسات خود را برای تبیین این امر به کار گرفتند و شعر متعهدانه و آئینی، عمیقاً از بینش، مضامین و تصاویر ویژه این شاعران تأثیر پذیرفت.

شعرانتظار در گذشته ادب فارسی

مسئله انتظار موعود در ادبیات فارسی پیشینه دیرینه‌ای دارد و بسیاری از شاعران گذشته، با این مضمون طبع‌آزمایی کرده‌اند. «در سده‌های آغازین هجری از نام مقدس مهدی، بیشتر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده می‌شد. نمادی که یادآور صلح و آرامش و قسط و عدل، پیروزی، جهان‌شمولی اسلام و نابودی کفر جهانی است. همان‌گونه که دجال نیز به صورت

یک نماد، نمادی که مظهر قساوت، فتنه، جنگ و خونریزی و کفر شرک است، یاد کرده‌اند» (امینی پژوه، ۱۳۹۰: ۳۸).

«باور به ظهور منجی و رهایی‌بخش برای ساخت جامعه آرمانی در فرهنگ ایران و جهان، قدمتی دیرینه دارد. در ایران پیش از اسلام، باور به ظهور سوشیانت و نجات‌دهنده، بخش عظیمی از فرهنگ دینی و آرمانی ایران را تحت تأثیر قرار داده بود؛ اما با ظهور اسلام و تلفیق سرشت ایرانیان با باورهای اسلامی، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، جزئی از باورهای لاینفک فارسی‌زبانان شد. این اعتقاد، در اشعار شاعران بازتابی گسترده برجای گذاشت و به ویژه پس از انقلاب، این مفهوم و رویکرد آن، در ادبیات فراگیرتر شد» (علوی مقدم و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

مفهوم انتظار در اشعار شاعران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مفاهیم ارزشی و آئینی رواج یافت و شعر شاعران را از دایره مفاهیم مرسوم، فراتر برد. شاعران متعهد و انقلابی، با روایتی شاعرانه، مفهوم انتظار موعود را دست‌مایه ساخت مقوله‌های ادبی و صور خیال شعری قرار دادند و با درکی عمیق از مضامین انتظار و وظایف منتظران، اشعار خود را جلوه‌گاه این مضمون ساختند و با بیانی گویا و ژرف، مضمون انتظار موعود را به کمالی رساندند که پیش‌زمینه‌ای مستعد و پُر بار برای بسیاری از سرایندگان فراهم آمد تا به همین سبک و سیاق، اشعار در انتظار منجی موعودشان، در عرصه ادبیات فارسی بازتاب یابد. از جمله اصلی‌ترین ویژگی‌های منتظران موعود می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. شناخت امام عصر علیه السلام

از جمله وظایفی که برای شیعیان تعیین شده است، شناخت امام زمان خود است و دانستن این‌که زمین، تا روز قیامت، از امام و حجتی از جانب خدا، خالی نمی‌شود. بر شیعیان واجب است که در زمان غیبت، به پیشوایی که به امر خدا از دیده‌ها پنهان است، معرفت و شناخت داشته باشند و یقین بدانند که آمدن او حتمی است و او اجراکننده عدالت در میان امت است. در روایتی که از نایب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام؛ یعنی عثمان بن سعید عمروی نقل شده است، آمده است:

اگر کسی بمیرد و فرزندم را نشناسد (در زمان امامت ایشان)، مردن او، مردن جاهلی است.

این جمله، وظیفه مردم را در زمان غیبت صغری و کبری مشخص می‌کند؛ چراکه اگر حضرت حجت علیه السلام را نشناسند، در زمان غیبت که افراد جاهل سرگردان می‌شوند، دچار مرگ نفاق و کفر می‌گردند (شیخ زاده، ۱۳۹۳: ۸۸).

شناخت منجی موعود از خلال جزئیات غنی و تصاویر زنده و شفاف‌ی که شاعران انقلاب اسلامی بدان پرداخته‌اند، آشکار می‌شود. توصیفاتی که در اشعار انتظار، در وصف امام عصر علیه السلام به کار رفته، نشان از معرفت عمیق و انس گرفتن آنان، با منجی موعود و معرفت و آشنایی با وجود گران‌مایه آن حضرت است. «نتیجه شناخت امام زمان علیه السلام را شناخت صحیح غیبت و سپس قیام آن بزرگوار دانسته‌اند. این شناخت صحیح باعث می‌شود که شخص یک منتظر واقعی برای آن امام باشد و این خود نوعی گشایش در گرفتاری‌ها و مایه‌رهایی از مهلکه‌هایی است که به از بین بردن دین و ایمان انسان می‌انجامد. بنابراین شناخت امام زمان علیه السلام و غیبت ایشان، نیت انتظار انسان را نیز تصحیح می‌کند، چه در غیر این صورت و به صرف شنیدن خوبی‌ها و خوشی‌های زمان ظهور، باعث می‌شود، انسان به دام‌های مختلف مدعیان باطل بیفتد و از این راه خودش را به هلاکت برساند» (همان: ۹۰).

سهیل محمودی یکی از شاعران متعهدی است که در غزل «من تو را می‌شناسم» حضرت را به عنوان امام عصر علیه السلام و کسی که خداوند به اطاعت او دستور داده و شیعیان واقعی منتظر آمدن او هستند، معرفی می‌کند:

من تو را خوب ای رهگذر! می‌شناسم

من تو را خوب ای خوبتر! می‌شناسم

تو، طنین صدای طربناک آبی

من تو را با دلی شعله‌ور می‌شناسم

من تو را ای نگاهت در آفاق جاری!

من تو را خوب ای منتظر! می‌شناسم

(محمودی، ۱۳۶۹: ۵۵)

سهیل محمودی با شناختی که از موعود دارد، می‌داند که تمام مشکلات و گره‌های زندگی به دست او گشوده خواهد شد و با اعتقاد کامل می‌گوید که چشم به راه جمعه و عده داده شده است که او بیاید و شب انتظار را به روشنی ظهور تبدیل کند:

دست تو باز می‌کند پنجره‌های بسته را
 هم تو سلام می‌کنی رهگذران خسته را
 شب به سحر رسانده‌ام، دیده به ره نشانده‌ام
 چشم به راه مانده‌ام، جمعه عهد بسته را
 (همان: ۱۰۰)

سپیده کاشانی شاعر دیگری است که پنهان بودن حجت خدا، مثل حضور و مشاهده او
 برایش عینی و مسجل است و معتقد است زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نخواهد بود:
 در گریبانش سحرز آن سوی شب‌ها خواهد آمد
 آن فروغ عدل، آن قدیس تنها خواهد آمد
 مهدی موعود ما، آن قائم آل محمد
 پاسدار پرچم «فتحاً مبیناً» خواهد آمد
 خواهد آمد تا ستاند دادِ مظلومان عالم
 منجی پرده‌نشین، از عرش اعلا خواهد آمد
 آن فروکوبنده طغیان هستی سوز انسان
 رهبر پنهان ما بس آشکارا خواهد آمد
 (کاشانی، ۱۳۷۳: ۷۹)

سلمان هراتی به بهره‌مندی از نور وجود حضرت معترف است و امام عصر علیه السلام را نعمتی برای
 جهانیان می‌داند و می‌گوید: اگر او خودش را از ما دریغ کند به ظلمت گمراهی و سرگردانی
 دچار می‌شویم:
 باور کنید اگر او یک روز/ خودش را از ما دریغ کند/ تاریک می‌شویم (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

سیدحسن حسینی، شناخت خود را از پیشوایی که از جانب خدا آمده و اجراکننده عدالت در
 میان مردم است و ظلم و ستم را از بین می‌برد، این‌گونه بیان می‌دارد:
 با تیغ آتش می‌درد آن وارث نور
 در انتهای شب گلوئی نابکاران
 آهنگ میدان تا کند او، باز ماند

در گرد راهش مرکب چابک سواران

(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۸)

«مسئله‌ای که همه ادیان در رابطه با حضرت حجت علیه السلام پیش‌بینی می‌کنند، این است که عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد؛ در واقع همان پیش‌بینی تاریخ و تکامل بشریت است؛ یعنی زندگی بشر در آینده، به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها منتهی می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۱۵، ۱۷۸).

نصرت‌الله مردانی نیز شناخت و معرفت خود را از ولی خداوند، این‌گونه بیان می‌دارد که او عدل و داد را در جهان می‌گستراند و در واقع ولایت او در راستای ولایت خداوند است و با آمدن او همه در صلح و صفا با هم به سر می‌برند:

شهبسوار ملک هستی داد را می‌گسترده

در شعاع اسم اعظم بیکران در بیکران

گرگ را با میش بینی در چراگاه زمین

یوسف ما چون برآرد سرز چاه لامکان

(مردانی، ۱۳۸۱: ۲۲-۲۳)

۲. طلب ظهور

یکی از مهم‌ترین وظایف منتظران، درخواست و طلب ظهور ایشان است. اساسی‌ترین و محوری‌ترین وظیفه در زمان غیبت امام عصر علیه السلام، انتظار کشیدن برای ظهور آن بزرگوار است؛ زیرا عامل جهت‌دهی به تمام اعمال ظاهری و باطنی انسان است. از این جهت است که امیرالمؤمنین علیه السلام انتظار را تا وقتی مومن به آن متّصف باشد، بهترین عمل در نظر خدا معرفی کرده‌اند:

منتظر فرج باشید و از یاری خدا مأیوس نشوید؛ چراکه محبوب‌ترین عمل‌ها نزد خدای بلندمرتبه و جلیل، منتظر فرج بودن است. این محبوبیت تا زمانی است که بنده مؤمن به صفت انتظار متّصف باشد (شیخ زاده، ۱۳۹۳: ۱۸۲).

یوسفعلی میرشکاک در شعرش، از تنهایی و غم غربت انسان از دوری موعود ناله سر می‌دهد، که چه بسیار در آرزوی دیدار یار، تمام زمین را به دنبال صدا و نشانه‌ای از او گشته، اما نتوانسته دری به دیدار او بگشاید؛ لذا از آستان منجی می‌خواهد که او را در تیرگی ظلم و جهل

رها نکند و به دادش برسد که بدون او آینده و فردایی ندارد و مرگ برایش از زندگانی بدون موعود بهتر است:

تنهاتر از باد و عطش با آب و آتش هم‌عنان بودم

همراه با من آفتاب خسته، سنگین راه می‌پیمود

آری تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

اما زمین، پژواک سرد آسمان بر من دری نگشود

(میرشکاک، ۱۳۶۸: ۹۵)

موسوی گرمارودی هم این‌گونه خواهان ظهور موعود است:

بازای ای چوبوی گل از دیده‌ها نهران

کز رنج انتظار تو پشت فلک خمید

باز آ که دیده در همه نامردم جهان

دیربست تا که رادی و آزادگی ندید

(موسوی گرمارودی، ۱۳۵۹: ۶۷)

۳. امید به حتمی بودن ظهور

از جمله دیگر نشانه‌های شناخت و معرفت امام عصر علیه السلام ایمان به حتمی بودن ظهور و خالی نبودن زمین از حجت الهی است. «اصل دیگر در انتظار فرج، امیدواری به خداوند در وصال و فرج است. بی‌تردید، ناامیدی بزرگ‌ترین آسیب‌ها را به انسان در زندگی وارد می‌سازد و از سوی دیگر زمینه متاثر شدن از محیط نامطلوب را در انسان آماده می‌سازد» (دیمه کارگراب، ۱۳۹۵: ۶۰).

«در واقع امید به ظهور امام زمان علیه السلام اصل همه مبارزات و تلاش‌های مسلمانان را تشکیل می‌دهد و حرکت‌های اعتراضی و قیام‌های ملت‌های منتظر، همه در سایه امید و حاکمیت عدالت صورت می‌پذیرد و حقیقت انتظار؛ یعنی با سلاح امید جنگیدن؛ یعنی اعتراض؛ یعنی مبارزه با ظلم و تباهی و نفی سستی و هراس» (امیری خراسانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۰):

انتظار سهم ماست / اعتراض نیز / ما ظهور نور را به انتظار / با طلوع هرسپیده آه می‌کشیم

(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

«مسلمان باایمان برخلاف آنچه «بدبین‌ها» تصور می‌کنند، عاقبت جهان را به «شر»

نمی‌داند و معتقد نیست که نسل بشر در آینده طی یک «جنگ خانمان سوز اتمی» نابود می‌شود، بلکه معتقد است؛ بشریت آینده درخشانی دارد و روزی فرا می‌رسد که در سایه قیام یک مرد آسمانی، جهانی مملو از صلح، عدالت، علم و ایمان خواهد ساخت» (مکارم شیرازی، ۱۳۴۳: ۱۶):

روزی که باغ سبز الفبا / روزی که مشق آب عمومی ست / دریا و آفتاب / در انحصار کسی نیست (امین پور، ۱۳۹۶: ۲۴۰)

بزرگ‌ترین خطری که هر جامعه را تحریک می‌کند و سقوط و انحطاط آن را قطعی می‌سازد، یأس و ناامیدی از رسیدن به کمال و سعادت است. اگر این بیماری خطرناک، به ذهن و اندیشه جامعه و به خصوص جوانان سرایت کند، می‌تواند به راحتی آن جامعه را به قهقرا و نابودی بکشاند. این خطر امروزه بیشتر از گذشته، جوامع انسانی را تهدید می‌کند و بشر امروز، علیرغم پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی، نتوانسته به منشور سعادت خود دست یابد و حتی بیشتر از گذشتگان خود، احساس سرگردانی و ناامیدی می‌کند. نقطه مقابل این ناامیدی، انتظار و باور عمیق و قلبی به فرا رسیدن و ظهور موعود و سامان یافتن اوضاع پریشان بشر است (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸۷).

صبحی دگر می‌آید ای شب‌زنده‌داران

از قلعه‌های پُربهار روزگاران

از بیکران سبزه‌اقیانوس غیبت

می‌آید او تا ساحل چشم‌انتظاران

(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۸)

امید به آمدن و ظهور منجی، در اشعار سلمان هراتی نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. او با اشاره به حتمی بودن ظهور، علت نیامدن موعود را این می‌داند که هنوز خداوند به ایشان اجازه ظهور نداده است:

منجیا، یقین تو نیز منتظر / چشم به اشاره خدا نشستته‌ای (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

«در شعر انتظار، شاعر کاملاً فعال و پویاست، کار می‌کند، اهل عمل است، آرام و قرار ندارد»

(نوروززاده، ۱۳۹۰: ۲۳):

آه! ای درخت‌ها! / آه ای درخت‌های بی‌قرار / که با ابرو و آفتاب قراری دارید / در ازدحام شال

سبز تماشا / راهی است / که ما، در آن شکسته، خسته، به دشواری / فرجام بی‌قرار جهان را دنبال می‌کنیم (میرشگاک، ۱۳۶۸: ۱۳۴).

موسوی گرمارودی هم در اشعارش اعتراف می‌کند که هرچند ما آمادگی کافی برای ایجاد مقدمات ظهور را نداریم؛ اما آمدن او حتمی است و از ساحت مقدس موعود، تعجیل در فرجش را می‌طلبد:

او ز خورشید آشکارتر است

چشم ما در ظهور، بی‌اثر است

آن‌که در انتظار اوست جهان

کی ز چشم حقیقت است نهان

گر چو شبکور مانده ایم به خواب

چه فشانند به چشم ما مهتاب

ای ظهور تو چون خدا پیدا

خویش‌تن را به چشم ما بنما

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۵۹)

۴. خودسازی و اصلاح نفس

خودسازی و تزکیه نفس و داشتن تقوا، از جمله وظایف منتظران است و انسان با خودسازی و تقوا و نیکویی اخلاق، می‌تواند در زمان غیبت، دینش را محفوظ بدارد و از این دوران پُر بلای غیبت، به سرانجامی نیکو و پیروز نائل آید. «انسان یک خواهش نفسانی دارد، یک محبت‌های مجازی به دنیا دارد که اگر موفق شد و از شهوت گذشت، از غضب گذشت و از دنیا عبور کرد، به برکت ایثار و از خودگذشتگی و پا روی نفس اماره گذاشتن، به خدا می‌رسد، به امام زمان علیه السلام می‌رسد، به حقایق و معارف می‌رسد» (گنجی، ۱۳۹۰: ۸۷).

«مهم‌ترین رکن انتظار، آینده‌نگری، مسئولیت‌شناسی، الگوبرداری و زمینه‌سازی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان آن را انتظار پویا نامید» (علی‌اکبری، ۱۳۹۲: ۱۵۵). سلمان هراتی این رکن انتظار را این‌گونه به تصویر کشیده است:

ما ظهور عطر را ز غنچه تا به گل شدن / انتظار می‌کشیم / خاک تشنه است و ما از این کویر /

خندقی به سمت جویبار می‌کشیم (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

«انتظارِ زمینه‌ساز، برای این نکته تأکید می‌کند که هرگز نباید بحث انتظار را جدای از کارکردهای اجتماعی جامعه منتظر در نظر گرفت و با دست روی دست گذاشتن به تحقق ظهور و دستاوردهای آن چشم دوخت. شخص منتظر در انتظار فعال و زمینه‌ساز، خود را در این فرایند دخیل و سهیم می‌داند و در برابر این نگرانی عظیم بشری، دغدغه دارد و با شناخت صحیح از اوضاع، به میزان استعداد و توان به ایفای نقش می‌پردازد» (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

طاهره صفارزاده هم منتظر ظهور تحقق وعده الهی است و در عین چشم‌انتظاری، خود را آماده هرگونه تلاش و مجاهدتی برای زمینه‌سازی ظهور می‌داند و بی‌صبرانه از امام عصر علیه السلام می‌خواهد که در ظهور تعجیل نماید و ظلم و بیداد را از ریشه برکند و عدالت را در جهان گسترش دهد:

همیشه منتظرت هستم / بی آن‌که در رکود نشستن باشم / همیشه منتظرت هستم / چونان که من / همیشه در راهم / همیشه در حرکت هستم / همیشه در مقابله / تو مثل ماه / ستاره / خورشید / همیشه هستی / و می‌درخشی از بدر / و می‌رسی از کعبه / و ذوالفقار را باز می‌کنی / و ظلم را می‌بندی / همیشه منتظرت هستم / ای عدل وعده داده شده / این کوچه / این خیابان / این تاریخ / خطی از انتظار تو را دارد / و خسته است / تو ناظری / تو می‌دانی / ظهور کن / ظهور کن که منتظرت هستم / ظهور کن که منتظرت هستم (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۷۲).

علیرضا قزوه خطاب به خود و دیگرانی که بدون خودسازی و اصلاح نفس انتظار ظهور موعود را می‌کشند، عتاب می‌کند و معتقد است اعتقاد قلبی و شعار دادن بدون عمل چندان اعتباری ندارد، زیرا منتظر واقعی تنها به محبت زبانی تکیه نمی‌کند و از اعمالی که باعث ظهور موعود می‌شوند، دست نمی‌کشد، زیرا انتظار واقعی که به ظهور و فرج آن حضرت منجر شود، محبتی و عنایتی است که از شیعیان خواسته می‌شود:

دلا تا باغ سنگی، در تو فروردین نخواهد شد

به روز مرگ، شعرت، سوره یاسین نخواهد شد

مگر در جست‌وجوی ربنای تازه‌ای باشیم

وگرنه صد دعا زین دست، یک نفرین نخواهد شد

به مشتاقان آن شمشیر سرخ شعله‌ور در باد

بگو تا انتظار این است، اسبی زین نخواهد شد

(قزوه، ۱۳۸۱: ۳۸)

سپیده کاشانی از شیعیان می‌خواهد که همه با هم، به یاری امام عصر علیه السلام بشتابند، چون همان عزم قلبی و نیت حقیقی و آرزومندی نصرت و یاری ایشان است که مقدمات ظهور را فراهم خواهد آورد:

خیز تا یاری کنیم اینک امام عصر خود را

کز پس امروز فجر صبح فردا خواهد آمد

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۷۹)

موسوی گرمارودی به اوضاع زمان اعتراض می‌کند که ریا در دل‌ها جای گرفته و کینه و نفرت در چشم‌ها، جای دارد و از موعد می‌خواهد که باز آید تا دوباره انسانیت در جهان حاکم شود و دین خدا را از دست تزویر و ریا نجات بخشد:

ریا برگرد دل‌ها بسته پرچین

به ژرف چشم‌ها بی‌زاری و کین

نهال مردمی از بیخ چیده

شرف در کنج غم عزلت گزیده

فروغ ایزدی خاموش مانده

ز خوبی گفته‌ای در گوش مانده

تو باز آ تا دگر جان باز آید

خدا برگردد انسان باز آید

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۲۶)

«هم‌چنین در احادیث به ما دستور داده‌اند، شب که به بستر استراحت می‌روید، در انتظار این باشید که صبح مقدمات قیام و انقلاب منجی شروع شود و به این ترتیب، به ما اجازه یک «آن» غفلت و سهل‌انگاری داده نشده است؛ اما عده‌ای بر اثر نداشتن رشد فکری، مسئله انتظار قیام امام زمان علیه السلام را وسیله‌ای برای تنبلی، بی‌حالی، وادادگی، فرار از زیر بار مسئولیت‌ها و دستاویزی برای انجام ندادن وظیفه خود قرار داده‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۴۳: ۱۷).

موسوی گرمارودی هم در شعرش علاوه بر اعتراض به روزگار زمانه، از وضع موجود شکوه

سرمی دهد که افراد کاری برای ایجاد مقدمات ظهور انجام نمی دهند و از وجود موعود غافل شده اند و سهل انگاری می نمایند:

دل بسته اند بر تو و از خود بریده اند

این مردمان کاهل دل بسته بر امید

(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۶۶)

۵. صبر بر گرفتاری ها

دوران غیبت از دشوارترین دوران ها برای شیعیان است؛ اما آنها که واقعاً عمل شان مطابق با رفتار اهل بیت باشد و پیرو واقعی این خاندان باشند، بر این بلاها و گرفتاری ها صبر می کنند از این امتحانات، سربلند و پیروز بیرون خواهند آمد. از جمله دشواری های این دوران، ثبات قدم بر عقاید است؛ اما با وجود تمام این سختی ها، نباید ناامیدی و یأس به انسان دست دهد؛ بلکه باید به تکالیفی که برای او معین شده، عمل کند.

صبر و پایداری مؤمن در انتظار فرج، امر مهمی است و همین است که موجب برخورداری او از آن همه ثواب و فضیلت های انتظار می شود و صبرکردن بر آنچه از دشمنان در دولت باطل و در حال غیبت امام بر او وارد می شود و این فضیلت بسیار دارد» (فقیه ایمانی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

«این همه دستور به صبر برای خاطر پایدار ماندن پیروان ائمه علیهم السلام در دین شان است؛ چرا که این پایداری نتیجه همه بلاها و امتحان هایی است که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به آن آزمایش می شوند. بنابراین خلاصه تمام آنها، صبر در دینداری است» (شیخ زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۲).

«طبق روایات پیش از ظهور امام عصر علیه السلام زمین پر از ظلم و بیداد می شود و آن حضرت زمین را پُر از عدل و داد فرماید و در بعضی روایات است که پرشدن زمین از ظلم و ستم، به حدی است که احکام دینی به کلی از میان مردم محو می شود، به طوری که ذکری از آن به میان نمی آید، تا چه رسد به آن عمل شود» (فقیه ایمانی، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

صبر و پایداری مؤمن بر سختی ها در انتظار فرج بسیار مهم است و در واقع صبر از ارکان اصلی انتظار محسوب می شود. سلمان هراتی در شعر به نتیجه صبر سختی های غیبت اشاره دارد که پس از ظهور موعود، تمام امور جهان بر وفق مراد مؤمنان خواهد بود:

مگر قرار نیست او نقش رنج ها را / از آرنج مان پاک کند / و در سایه استراحت / آرامش را بین

ما تقسیم کند (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

قائم، قیام نخواهد کرد مگر به دنبال خوف و هراس جدی از زلزله‌ها، فتنه‌ها، بلاها و طاعونی که (مردم) به آن مبتلا شده باشند و شمشیر بزان (جنگ نمایان) میان اعراب و اختلاف زیاد مردم و تفرقه مذهبی آنها و تعدد ادیان و مذاهب و تغییر و تحوّل آن (الساده، ۱۳۸۵: ۲۲).

طاهره صفارزاده به این اوضاع نابه‌سامان در زمان غیبت این‌گونه اشاره دارد:

اکنون زمین ذخایر خود را برون فرستاده / سفیانیان تمام جهان را گرفته‌اند / دانش / همچون تباهی / همچون ظلم / به اوج خویش رسیده / دانش / همچون شرف / همچون عقیده / همچون فنون رایج خردوری / در معرض خرید و فروش است (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

۶. تولی و تبری

شیعیان باید دوستدار امام زمان علیه السلام باشند و از فرمان‌های ایشان پیروی نمایند «هرچه را او دوست دارد، دوست بدارند و با هر چیزی که او با آن، دشمن است، دشمن باشند. هرچه او می‌خواهد، انجام دهند و هرچه را او اکراه دارد، از آن منصرف بشوند» (گنجی، ۱۳۹۰، ۶۶).

در واقع «هر قسم نصرت و محبتی که به شیعیان و دوستان آن حضرت واقع شود، به منزله نصرت و محبت به خود ایشان است. چنان‌که در اخبار بسیاری تصریح به آن فرموده‌اند» (فقیه ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

نصرت‌الله مردانی معتقد است که دوستی و تولا با امام عصر علیه السلام، همچون خط امانی است که به واسطه آن می‌توان به راحتی از هنگامه قیامت عبور کرد:

راحت از هنگامه سخت قیامت بگذرد

هر که دارد از امام عاشقان خط امان

(مردانی، ۱۳۸۱: ۲۳)

سلمان هراتی آمادگی برای ظهور را این‌گونه بیان می‌دارد که با ظالمان به مبارزه بر می‌خیزیم و برای آمدن تو ای دادگر بزرگ، لحظه شماری می‌کنیم و در برابر ستم و جور اعتراض خواهیم کرد و از آمدن موعود ناامید نشده و هر لحظه آماده‌ایم، تا بیایی:

تا غبار تاخت ستمگران دهر را / در گذر آب شستشو دهد / انتظار سهم ماست / اعتراض نیز / ما ظهور نور را به انتظار / با طلوع هر سپیده آه می‌کشیم / ای دلیل جنبش زمین / قسم به

فجر/ تا تولد بهار عدل / ظالمان دهر را به دار می کشیم / گوش را به نبض تند خاک می دهیم /
گام عادل‌ی بزرگ را / منتظر، شماره می کند (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

عباس براتی پور اعتقاد به ولایت موعود و بی‌زاری از دشمنان ایشان را از جمله شرایط
پرهیزکاری دانسته است:

همیشه خاطر ما، آشیان یاد تو باد

که در هوای تو پرواز، خاطره انگیز است

ز کوچه سار دیار دلم عبور نکرد

بغیر دوست که این کوچه، کوی پرهیز است

(براتی پور، ۱۳۶۹: ۱۲-۱۱)

براتی پور از این که در این دوران پراز غم، دنیا به کام بدکاران است و نیکان با سختی روزگار
می گذرانند، اندوهناک است و از این اوضاع شکوه سر می دهد که تا کی باید این غم را تحمل
کرد و در نهایت به خود نوید می دهد که با آمدن منجی، غم‌ها از سینه منتظران زدوده خواهد
شد:

آهنگ ماندن نداریم، با این غم خانمان سوز

دوران به کام کلاغان، آتش به جان هزاران

تا چند باید نشستن در کنج ویرانه غم

تا چند باید ببینیم، برگنج‌ها نقش ماران

خون دل از دیده جاری است مستضعفان جهان را

بر سینه شان زخم کاری از خنجر نابکاران

پیداست کز ره می آیی غم‌ها ز دل می زدایی

آغوش خود می گشایی بر روی چشم انتظاران

(براتی پور، ۱۳۸۳: ۸)

۷. مبارزه و تلاش

تلاش و تکاپو برای فراهم آوردن مقدمات ظهور از دیگر بایسته‌های مهم منتظران است. تا
جایی که پیامبر ﷺ انتظار فرج را در شمار برترین اعمال نزد خداوند می داند. «این عبارت

گرچه دارای صورتی خبری است، در پس معنای ظاهری آن، نوعی معنای تحریض نهفته است که به وسیله آن، مؤمنان و عاشقان آن حضرت را به انتظار فرج امام فرا می خواند. اعتقاد به ظهور در مکتب شیعه، انسان منتظر را به پیروی و اطاعت مطلق از ولایت آخرین حلقه امامت ملزم می گرداند؛ امری که می توان آن را ذیل این آیه شریفه قرار داد:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الامر (اوصیای پیامبر را) «نجفی لیواری و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۲».

شهید مطهری رحمته الله علیه درباره تلاش و کوشش صادقانه در فراهم آوردن شرایط انتظار می نویسد: نکته دیگر رسالت مردم است. درست است که عدل جهانی مانند نیروی حیاتی است و جنبه ماورایی دارد؛ ولی تا موانع رفع نشود، حیات تجلی نمی کند. پس وظیفه مردم است مبارزه با موانع برای تسریع ظهور عدل مطلق. به عبارت دیگر، تا مردم کمال جو و عدل مطلق طلب نباشند، آن هم طلبی صادق و توأم با تلاش، به آن هدف عالی ماورایی نمی رسند» (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۹، ۳۸۱).

سلمان هراتی، مبارزه را برای زمینه سازی ظهور، ضروری دانسته و تغییر وضع موجود و تحقق ظهور را با تلاش و مبارزه با بدی ها ممکن می داند:

باید دست ها را به قبضه شمشیر سپرد / و حنجره بدی را فشرد / آه ای پیشوای اقیانوس های شورش / شب نشینی دنیا به طول انجامید / طوفان را رها کن / و اسب آشوب را / افسار بگسل (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۴)

ظاهر صفارزاده نیز معتقد است برای برپایی قیام موعود، کوشش مؤثر و آماده بودن بسیار ضرورت دارد و با اقدامات زمینه سازانه و با کوشش در این راه، زمینه ظهور فراهم می شود: باید مجهز و در حرکت باشیم / که انتظار / یعنی آماده باش / آماده باید باشیم / و اهل عمل / باید رسیده های نکوخواهی / خوبی / گره گشایی را / برای نثار / در پیشواز مقدم موعود / در دست داشته باشیم (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۲۰).

قیصر امین پور خود را منتظر همیشگی موعود دانسته و علت سرودن تمام اشعارش را انتظار و دلبستگی همیشگی به منجی می داند:

من در ادای نام تو / دم می زنم / شعرم حرام باد / اگر روزی / تا بوده ام / جز با طنین نام تو / شعری سروده ام! (امین پور، ۱۳۹۶: ۲۶۶)

در جای دیگری قیصر، از رنج انتظار می‌نالد؛ اما علیرغم دشواری‌های غیبت و وجود فرقه‌هایی که منکر اصل وجود و قیام منجی هستند، از پیوند درد و غم عشق و انتظار یاد می‌کند:

جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما

خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

خواستم از رنجش دوری بگویم، اما یادم آمد

عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

(همان: ۴۰۹)

سلمان هراتی در شعرش می‌گوید که چشم انتظار ظهور است و منجی در تمام لحظه‌ها با اوست و در این انتظار هر روز با مرگ مواجهه می‌شود؛ اما از انتظار دست بر نمی‌دارد:

روزی هزار مرتبه تا مرگ می‌دویم

روزی هزار مرتبه تکرار می‌شویم

فردا دوباره صبح می‌آید از این مسیر

چشم انتظار لحظه دیدار می‌شویم

(هراتی، ۱۳۸۰: ۳۰-۲۹)

برخی از فرقه‌های انحرافی عقیده‌ای را رواج داده‌اند که گناه کردن باعث زمینه‌سازی ظهور منجی می‌شود و می‌اندیشند که با افزودن گناه و فساد در جامعه، مقدمات ظهور فراهم می‌شود. سلمان هراتی این‌گونه به این کج‌فهمی و افکار پلید می‌تازد:

و لال باد / آن که دهان به غیظ می‌گشاید / و باغ را / و چراغ را / با دم هرز خویش / مسموم

می‌دارد / اینسان که به تقدیس معصیت نشست / و چشم از آفتاب بستی / بدان که جولان

شیطان / به طلوع عشق نمی‌انجامد (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۳).

نتیجه‌گیری

انتظار منجی، بن‌مایه‌ای است که به واسطه اهمیت و جایگاهش در میان شیعیان و

تأکیدات فراوان دین اسلام، به درون مایه‌ای کلان و مسلط در اشعار شیعی تبدیل شده است و بسیاری از اشعار مذهبی و آئینی معاصر، با انگیزه تبیین و ترویج اندیشه انتظار پدید آمده‌اند. شاعران متعهد و شیعی انقلاب اسلامی، براساس جهان بینی و بنیان‌های معرفتی و هویتی خویش، خود را مقید و متعهد به سرایش شعر مهدویت نموده‌اند و موتیف‌هایی چون انتظار، وظایف منتظران، صلح و عدالت و دلتنگی از فراق موعود را در شعر خویش به کار گرفته‌اند. در واقع اشعار آنان گزارشی است جامع، با رویکردهای شاعرانه و احساسی نسبت به منجی موعود تا به شکل متعالی، بینش شیعی خود را پردازش نمایند.

هرچند مفهوم انتظار، بسیار مورد توجه پژوهشگران بوده، اما تاکنون پژوهشی درباره وظایف منتظران در اشعار معاصر صورت نگرفته است، از این رو پژوهش حاضر، درصدد است که با استفاده از آثاری که در حوزه شعر انتظار سروده شده، به تحلیل وظایف منتظران امام عدالت گستر برپردازد. هرچند تبیین همه وظایفی که شیعیان در عصر غیبت برعهده دارند، در این محدوده نمی‌گنجد، به شماری از مهم‌ترین وظایفی اشاره شده که در پژوهش‌های انتظار، تاکنون مجالی برای بروز نیافته‌اند.

نتایج پژوهش بیانگر این است که مفهوم انتظار به معنای امید به ظهور و قیام امام عصر علیه السلام است و سبب تعالی و رشد و کمال منتظران و سبب پویایی و سازندگی فرد و اجتماع می‌شود. وظایف منتظران محدود به رئوس مشخصی که در این پژوهش آمده، نیست و شیعیان وظایف بسیاری برعهده دارند.

این وظایف، برترین نموده‌های تعهد منتظران در قبال منجی است و شاعران معاصر صحنه‌ها و تصاویری به یادماندنی از آن در اذهان ثبت کرده و سبب جاودانگی آنها در ادب فارسی شده‌اند. از آن جا که ظهور موعود به عمل منتظران به وظایف‌شان بستگی دارد، بنابراین تأکید شاعران به علت ضرورت و اهمیت این موضوع است.

منابع

۱. امیری خراسانی، احمد؛ صدقیان زاده، قاسم (۱۳۹۱)، «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی»، *نشریه ادبیات پایداری*، شماره پنجم، سال سوم.
۲. امین پور، قیصر (۱۳۹۶)، *مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور*، تهران: انتشارات مروارید.

۳. امینی پژوه، زینب (۱۳۹۰)، *بررسی تطبیقی اندیشه انتظار موعود در شعر محمود درویش و قیصر امین پور*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۴. براتی پور، عباس (۱۳۶۹)، *بهت نگاه*، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول.
۵. براتی پور، عباس (۱۳۸۳)، *دل و دریا*، تهران: انتشارات سوره مهر، اول.
۶. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۴)، *موعودنامه*، قم، میراث ماندگار.
۷. حسینی، سیدحسن (۱۳۶۳)، *همصدا با حلق اسماعیل*، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول.
۸. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *خورشید مغرب*، قم: انتشارات دلیل ما.
۹. دیمه کارگراب، محسن و همکاران (۱۳۹۵)، «بن‌مایه‌های کلامی در قصص قرآن کریم»، *دوفصل‌نامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸.
۱۰. الساده، مجتبی (۱۳۸۵)، *شش ماه پایانی*، تهران: موعود عصر ع، چهارم.
۱۱. شریعتی، علی (۱۳۸۷)، *انتظار*، مذهب اعتراض، تهران: نیایشگران وحدت.
۱۲. شیخ‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۳)، *تکالیف شیعیان در غیبت صاحب‌الزمان ع*، قم: انتشارات تک.
۱۳. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴)، *دیدار صبح*، تهران: پارس کتاب، دوم.
۱۴. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۶)، *بیعت با بیداری*، تهران: هنر بیداری، چهارم.
۱۵. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۷)، *در پیشواز صلح*، تهران: هنر بیداری، دوم.
۱۶. صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۸)، «آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، سال سوم، شماره یازدهم.
۱۷. عظیمی، کاظم (۱۳۹۰)، «درآمدی بر ادبیات مهدویت و اجزای آن»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات*، سال هجدهم، شماره دوم، پیاپی ۴۰.
۱۸. علوی مقدم، مهیار؛ بهرامیان، زهرا (۱۳۸۹)، «بررسی واژه‌شناختی زبان شعر انتظار»، *ادبیات پایداری*، سال اول، شماره ۲.
۱۹. علی‌اکبری، راضیه (۱۳۹۲)، «آینده‌پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی»، *نشریه انتظار موعود*، شماره ۴۰، سال سیزدهم.
۲۰. فقیه ایمانی، محمدباقر (۱۳۸۹)، *دوران باشکوه ظهور*، قم: عطر عترت.

۲۱. فقیه ایمانی، محمدباقر (۱۳۹۳)، *فوز اکبر در توسلات به امام منتظر*، قم: عطر عترت.
۲۲. فقیه ایمانی، محمدباقر (۱۳۹۶)، *شیوه‌های یاری قائم آل محمد*، اصفهان: عطر عترت.
۲۳. قزوه، علیرضا (۱۳۸۱)، *عشق علیه السلام*، تهران: انتشارات انجمن شاعران ایران، اول.
۲۴. کاشانی، سپیده (۱۳۷۳)، *سخن آشنا*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۲۵. گنجی، حسین (۱۳۹۰)، *چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی (عج)*، قم: انتشارات مسجد جمکران.
۲۶. محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸)، *شعرآئینی و تأثیر انقلاب بر آن*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۲۷. محمودی، سهیل (۱۳۶۹)، *فصلی از عاشقانه‌ها*، تهران: نشر همراه، اول.
۲۸. مردانی، نصرالله (۱۳۸۱)، *چهارده نورزلی*، تهران: انتشارات شاهد، اول.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران: انتشارات صدرا، اول.
۳۱. معین، محمد (۱۳۶۴)، *فرهنگ لغت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۴۳)، *انتظار، انتظار، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، شماره ۳، سال ششم.
۳۳. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۲)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، قم: مسجد مقدس جمکران.
۳۴. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۵۹)، *در سایه سار نخل ولایت*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۵. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۳)، *چمن لاله*، تهران: انتشارات زوّار.
۳۶. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹)، *تا محراب آن دوا برو*، تهران: انتشارات سوره مهر.
۳۷. میرشگاک، یوسفعلی (۱۳۶۸)، *از چشم ازدها*، تهران: مرکز فرهنگی و هنری اقبال لاهوری.
۳۸. نجفی لیواری، مریم؛ محمدنیا گالشکلامی (۱۳۹۱)، «واکاوی شاخصه‌های الگوی خانواده منتظر»، معرفت، سال ۲۱.
۳۹. نوروززاده، حسن (۱۳۹۰)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر پویایی شعر انتظار»، *مجله امان*، شماره ۳۴.

۴۰. هاشمی شهیدی، سیداسدالله (۱۳۸۰)، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، قم: انتشارات مسجد جمکران.
۴۱. هراتی، سلمان (۱۳۸۰)، مجموعه کامل اشعار شعرهای سلمان هراتی، تهران: انتشارات دفتر شعر جوان، اول.

